

## مأموریت والای تئاتر

از اوایل دهه‌ی هشتاد، موج جدیدی در هنر «اتحاد شوروی» در حال برخاستن بود. تعداد زیادی آثار درخشان، در سال‌های دهه‌ی هفتاد، در تمام جمهوری‌ها تولید شده بودند. این تولیدات در ارتباط با ادبیات، تئاتر، سینماتوگرافی، موسیقی، نقاشی و پیکرتراشی بود.

هم چنین، تعداد زیادی اجراهای جالب در نشست جماهیر، مختص «کنگره‌ی بیست و ششم»، نشان داده شدند. نمایشنامه‌های انقلابی-تاریخی در خصوص گذشته‌ی «کشور شوراها»، و راجع به آرمان‌های انقلابی، به طور برجسته‌ای به نمایش درآمدند. «تئاتر فرانکو» از آکراین، اجرایی از حیث تراژیک فشرده و خوب از «مرگ اسکادران»، اثر «آ. گورنی چوک» (کارگردانان «اس. دانچنکو»<sup>۱</sup> و «و. ایوچنکو») ارائه داد. «تئاتر درام بزرگ گورکی BDT» از لنینگراد، «تئاتر مرکزی ارتش شوروی» و «تئاتر پوشکین» از مسکو، تفسیرهای جدیدی از «تراژدی خوش‌بینانه» اثر «و. ویشنفکسی» عرضه داشتند.

از سوی دیگر، و مثل همیشه، کارهای سفارشی دست‌کاری شده، هم کم نبودند! اما اگر این کارها از لحاظ مضمونی فقیر، تکراری و مسخ‌شده می‌نمودند، از لحاظ اجرایی و شکل، از توانمندی‌های سطح بالایی برخوردار بودند؛ چرا که، اگر اصولاً، در نتیجه‌ی سانسور، هنرمندان تئاتری در «اتحاد شوروی» به تعبیری، از بازی فکر (خلاقیت فکری) منع شده بودند، آنان این خلاقیت را در بازی بدنی (خلاقیت فیزیکی): بازیگری، کارگردانی، صحنه‌آرایی و... می‌ریختند. زیرا، الف، هیچ‌گاه

نمی‌توان از خلاقیت کار انسانی (فکری- فیزیکی) جلوگیری نمود: هر کجا جلوی آن را بگیری، از جای دیگری بیرون می‌زند؛ ب، مگر نه آن که، در تحلیل آخر، «انقلاب اکتبر- ۱۹۱۷»، انقلاب توده‌ی زحمت‌کشان بود، و هنر «تئاتر» زحمت‌کشان، تئاتر بازی بدن است تا بازی فکر؟!

باری از جمله‌ی این نمایشات سفارشی، «سرزمین‌های بکر»<sup>۳</sup>، اقتباس از کتاب فرمایشی «لئونید برژنف»<sup>۴</sup>، درباره‌ی کار مردم شوروی بر روی زمین‌های بایر در قزاقستان بود که «تئاتر مالی» آن را تولید کرد. کارگردانان این اثر «ب. لوف آنوخین»<sup>۵</sup> و «و. بلیس»<sup>۶</sup> تأویل موثقی برای بیان تلاش مردم جهت کاشت و تکثیر غله یافتند، تأویلی که همانند یک نبرد بود، نبرد زیبای مردم زحمت‌کشی که بر مشکلات کشت غلبه یافته، و حتی جان‌شان را، گه‌گاه، برای هدف مشترک فدا نمودند- و در میان مردم و در مرکز واقعه، ده روایت‌گر، مشترکاً، تصویرکننده‌ی رهبر حزب بودند که بازسازی زمین‌های بایر را سرپرستی می‌کرد.

و هم چنین، «تئاتر سانداکیان»<sup>۷</sup> در ارمنستان، اجرائی از لحاظ تئاتری رنگین از «آتساوان»<sup>۸</sup>، اقتباسی از نوول «نائی‌ری زاریان»<sup>۹</sup>، درباره‌ی زندگی در «آتساوان»، شهر کوچکی در ارمنستان را بر صحنه برد. کارگردان، «خورن آبرامیان»<sup>۱۰</sup>، متنوع‌ترین وسیله‌ها را برای بیان داستان مبارزه‌ای سخت، به خاطر توان‌بخشی یک مزرعه اشتراکی، و به خاطر ارتقای سطح آگاهی دهقانان، به کار گرفت. تماشاگر، «لامباریان»<sup>۱۱</sup> (بازیگر «و. کوچاریان»<sup>۱۲</sup>)، رئیس جوان مزرعه را به خاطر می‌آورد که فارغ از خود برای نیک‌بختی مردم مبارزه می‌نمود.

و نیز، «تئاتر گوگول»<sup>۱۳</sup>، اجرای خود از «خانه»<sup>۱۴</sup>، اقتباسی از نوول «فئودور آبرامف»<sup>۱۵</sup> (کارگردانان «ب. گلوبفسکی»<sup>۱۶</sup> و «و. بوگلیوف»<sup>۱۷</sup>) را به مردم روستای عصرمان تقدیم داشت. این اثر، داستانی است درباره‌ی زحمت‌کشان درست کاری که «نمک زمین» اند.

و سرانجام، «آندره گنچارف»<sup>۱۸</sup>، در «تئاتر مایاکوفسکی» که سرکارگردان آن جا بود،

## مأموریت والای تئاتر / ۱۴۷

«زندگی کلیم سامگین»<sup>۱۹</sup>، یک نوول چهار جلدی اثر «ماکسیم گورکی» را کارگردانی نمود. اجرا، تصویر گویائی از روسیه‌ی قبل از انقلاب را ارائه می‌داد، و تفسیر ژرفی از تم اصلی نوول را به نمایش گذارد: «تاریخ انحطاط تدریجی و ورشکستگی نهائی چشم‌انداز زندگی «کلیم سامگین»، نماینده‌ای از روشن‌فکران که تمام مدت می‌کوشد از مبارزات انقلابی پرهیز نماید، و برای پاک نگه داشتن دست‌های‌اش عمل نکند». «گنچاروف» شیوه‌ی نافذی برای ترسیم دوگانگی «کلیم سامگین» یافت. دو «سامگین» بر صحنه وجود داشتند- «سامگین» جوان «و. سالنیکف»<sup>۲۰</sup> و «سامگین» پیر «آ. روماشین»<sup>۲۱</sup>. آنان، بر یکدیگر با احساس زجرآوری دقیق می‌شوند، و می‌کوشند علت سقوط تراژیک‌شان را دریابند.

\*\*\*

تئاتر کشور کثیرالملهی «اتحاد شوروی»، در زندگی فرهنگی جامعه، به گونه‌ی برجسته‌ای شاخص بود، و با فعال بودن در عرصه‌های اجتماعی، روانی و زیبایی‌شناسی، طرح دیگری از زندگی را می‌ریخت. دراماتیست‌ها، کارگردانان و بازیگران وظیفه‌ی اصلی خود را خدمت فارغ از خود به مردم، به منافع آنان و به آرمان‌های‌شان می‌دیدند. هنر صحنه‌ی «اتحاد شوروی»، بی‌واسطه، قابل فهم و قابل دسترسی به وسیع‌ترین قشرهای مردم زحمت‌کش بود. همراه با سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی، تئاترها، بلیط‌های فصلی می‌فروختند، و بازدیدهای جمعی کارگران فنی و اداری را به تئاترها ترتیب می‌دادند. توجه زیادی به فراهم آوردن خدمات تئاتری جهت روستاها می‌شد، جائی که بسیاری از گروه‌ها، با بهترین کارهای خود، به حیث میهمان، عازم می‌شدند.

به تقریب، صد میلیون نفر، فقط هر سال، به درام- تئاترها می‌رفتند. «کشور شوراها»، پنجاه و هفت تئاتر ویژه‌ی کودکان (TFC) داشت؛ آنان با وظایف عظیم و متعهدانه‌ی هنری و آموزشی رودررو بودند. این تئاترها، با بر صحنه بردن

آثار کلاسیک و مدرن، هم مرزسازی داستان‌های پریان با زندگی واقعی (حقیقت زندگی)، و با متهوران‌ترین تخیلات، اجراهای هیجان‌انگیز رنگینی برای اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورند، و کمک شایانی به آموزش مردم ثابت قدم، شجاع، خردمند و نیک فردا می‌نمودند.

جریان عظیم نمایشگران غیرحرفه‌ای، یک نیروی پرفردت فرهنگی در کنار هنر حرفه‌ای بود. بیش از سه هزار تئاتر مردمی، کارگاه‌های درام و کلوپ‌ها، کار هنری هیجان‌انگیزی را رهبری می‌کردند؛ میلیون‌ها نفر را از لحاظ اندیشه‌ورزی و فرهنگی پرمایه می‌ساختند، احساسات هنری را در آنان برمی‌انگیختند.

مردم تئاتری از عشق و ملاحظت تمامی مردم «کشور شوراهای» بهره می‌بردند. آنان در زندگی اجتماعی- سیاسی فعال بودند، به نمایندگی شوراهای محلی و عالی انتخاب می‌شدند، و به نشان مفتخر می‌گشتند. عنوان‌های ویژه‌ی «هنرمند مردمی»<sup>۲۲</sup> و «هنرمند سرفراز»<sup>۲۳</sup> برای‌شان در نظر گرفته می‌شد. جوایز «لنینی و کشوری» برای آثار برجسته‌ی هنر صحنه اعطا می‌گردید. برگزیدگان مردم در تئاتر، عنوان «قهرمان کار سوسیالیستی»<sup>۲۴</sup> می‌گرفتند.

تئاتر کشور کثیرالمله‌ی «اتحاد شوروی» که ایده‌های انسان‌گرائی شریفی: «صلح و دوستی میان ملت‌ها» را تبلیغ می‌کرد، از راه‌های متعددی با جهان مرتبط بود، و نفوذ سودمندش را بر آن به کار می‌گرفت. کشفیات هنری توسط «استانیسلافسکی»، «مایرهودل»، «واختانگف» و «تایروف»، غول‌های هنر تئاتر «اتحاد شوروی» که هنر تئاتر قرن بیستم را حاصل‌خیز نمودند، با واکنش عظیمی در خارج روبرو می‌شود. تأثیر «سیستم استانیسلافسکی» به‌ویژه عظیم بوده است. تعداد زیادی از انسان‌های برجسته در هنر تئاتر جهان، او را همانند معلم خود می‌نگرند. «ژان ویلار»<sup>۲۵</sup>، کارگردان و بازیگر مشهور فرانسوی نوشت: «هزاران مردمی که در نیویورک، مسکو، رم، پاریس، برلین یا لندن شبانه به تئاتر می‌روند، بی‌خبرند که هر آن چه آنان بر صحنه تحسین می‌کنند، از بازی بازیگران تا دکور، اکثراً نتیجه‌ی آموزش‌های استانیسلافسکی است.» و «ادوارد دو فیلیپو»<sup>۲۶</sup>، نمایشنامه‌نویس، کارگردان و

## مأموریت والای تئاتر / ۱۴۹

بازیگر معروف ایتالیائی گفت که، تعالیم «استانیسلافسکی» بنیانی بود که بر آن تمامی تئاترهای جهان، تئاترهای مشتاق هنر واقعی، می‌توانستند گرد آیند. توان «تئاتر اتحاد شوروی»، زائیده‌ی انقلاب اکتبر، در اشتیاق درک هنرمندانه‌ی تکامل زندگی، مشکلات پراهمیت‌تر در هستی مردم، تصویر زندگی معنوی انسان در تمامی بغرنجی و سرشاری آن، و تنویر راه درخشان آینده برای او، نهفته بود.

---

<sup>1</sup> S. DANCHENKO

<sup>2</sup> V. IVCHENKO

<sup>3</sup> THE VIRGIN LANDS

<sup>4</sup> LEONID BREZHNEV

<sup>5</sup> B. LVOV- ANOKHIN

<sup>6</sup> V. BEILIS

<sup>7</sup> THE SUNDAKYAN THEATRE

<sup>8</sup> ATSAVAN

<sup>9</sup> NAIRI ZARYAN

<sup>10</sup> KHOREN ABRAMYAN

<sup>11</sup> LAMBARYAN

<sup>12</sup> V. KOCHARYAN

<sup>13</sup> THE GOGOL THEATRE

<sup>14</sup> HOUSE

<sup>15</sup> FYODOR ABRAMOV

<sup>16</sup> B. GOLUBOVSKY

<sup>17</sup> V. BOGOLEPOV

<sup>18</sup> ANDREI GONCHAROV

---

<sup>19</sup> KLIM SAMGIN'S LIFE

<sup>20</sup> V. SALNIKOV

<sup>21</sup> A. ROMASHIN

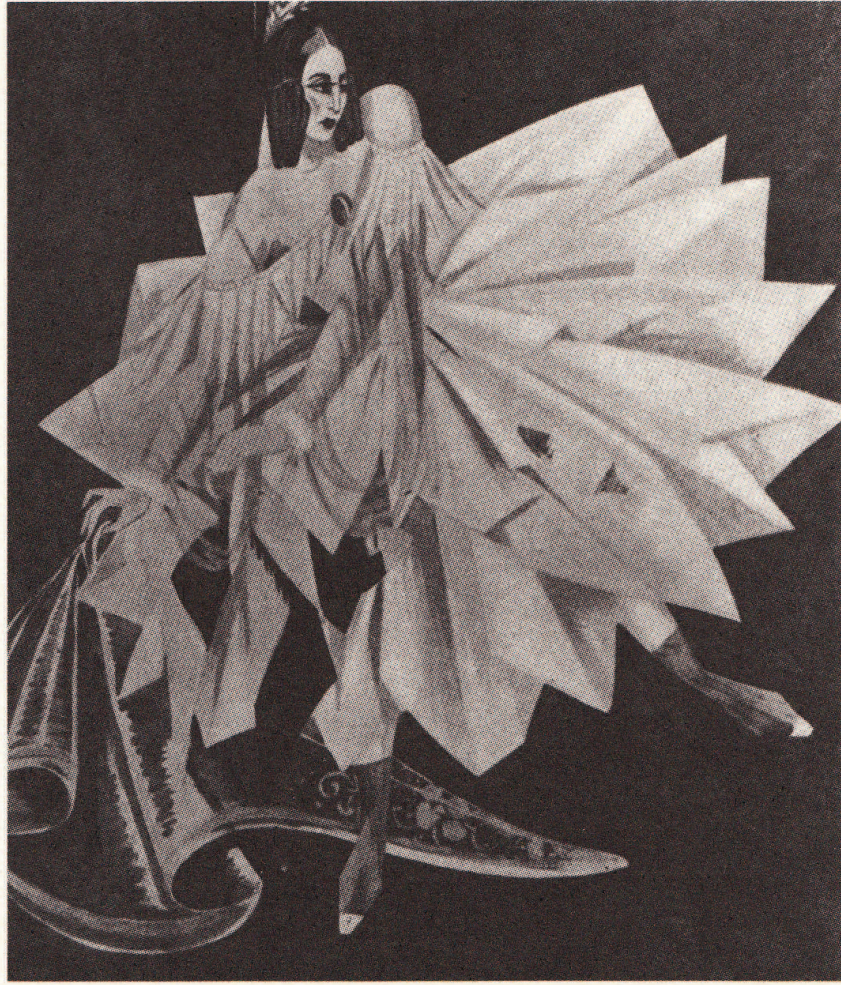
<sup>22</sup> PEOPLE'S ARTIST

<sup>23</sup> HONOURED'S ARTIST

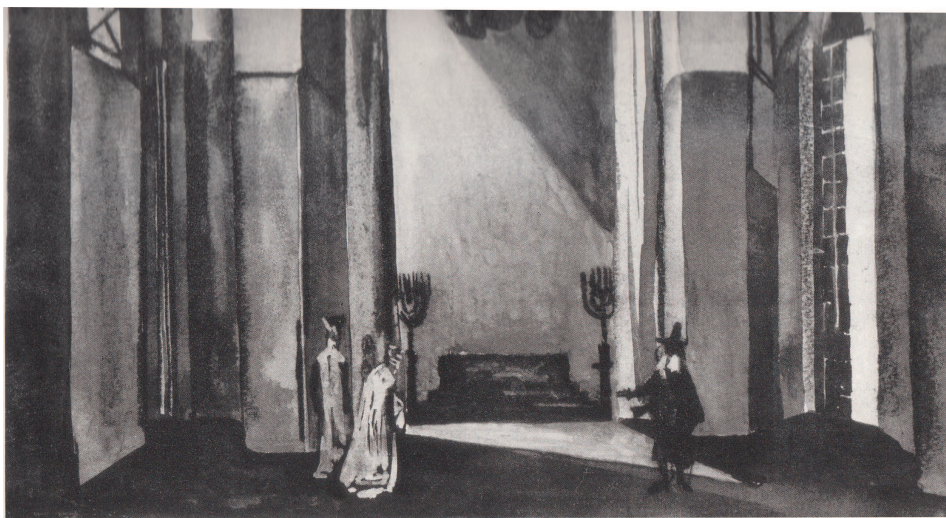
<sup>24</sup> HERO OF SOCIALIST LABOUR

<sup>25</sup> JEAN VILAR

<sup>26</sup> EDUARD DE FILIPPO



Sketch by Vera Mukhina of the costume for Pierrette (Alisa Koonen) in Schnitzler's *The Veil of Pierrette* directed by Tairov at the Kamerny Theatre, 1916.

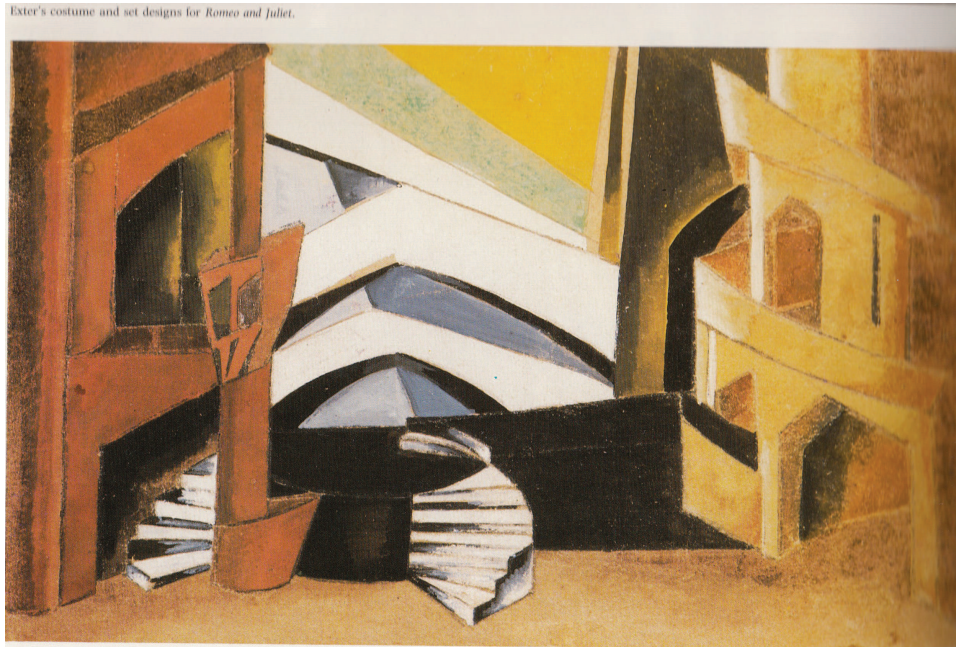


Sketch of Vladimir Shehuko's set for *Don Carlos*.



A scene from *Don Carlos*.

مأموریت والای تئاتر / ۱۵۳





Drawing of biomechanics exercises by V. V. Lutse, 1922.

مأموریت والای تئاتر / ۱۵۵

**DEUTSCHES THEATER**

7-23 APRIL 1923

**MOSKOWER KAMERNY THEATER**

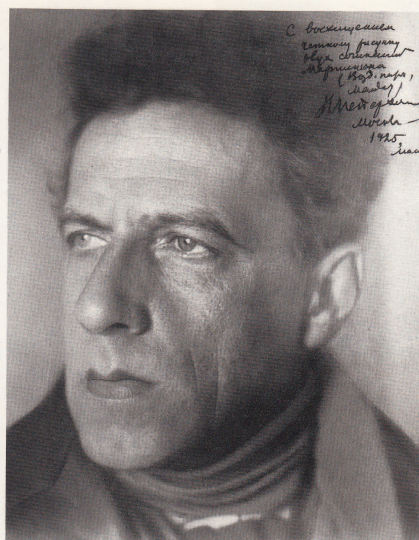
REPertoire  
**PHADRA**  
**SALOME**  
**PRINZESSIN BRAMBILLA**  
**DIE ZWILLINGSSCHWESTERN-OPERETTE**

KÜNSTLERISCHE  
LEITUNG VON  
**ALEXANDER  
TAIROFF**

МОСКОВСКИЙ  
КАМЕРНЫЙ  
ТЕАТР



Drawing of Sergei Eisenstein, 1922.

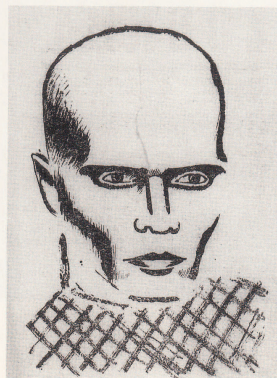


Vsevolod Meyerhold, 1925.



Nikolai Foregger, 1922. Portrait by P. Galadzhiev.

Alexei Popov, 1929.

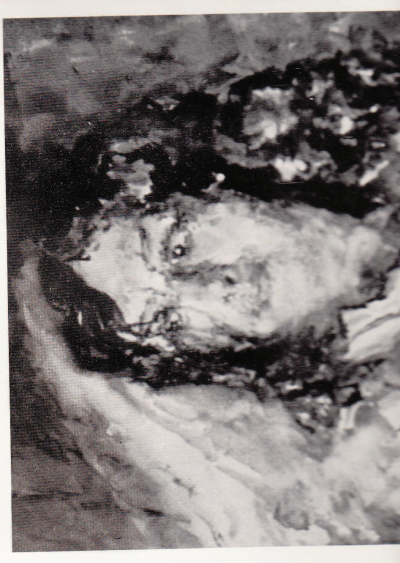


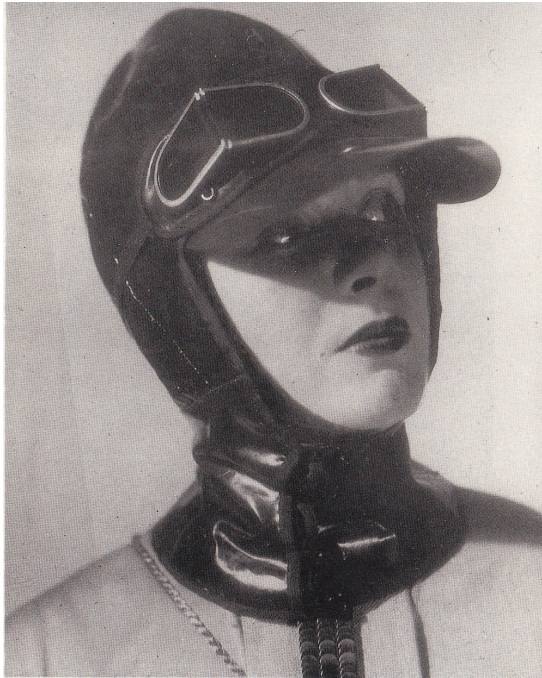
مأموریت والای تئاتر / ۱۵۷

T. Chanchavadze as Laurencia in the 1922 production of *Fuenteovejuna* at the Rustaveli Theatre in Tbilisi.



Vera Yureneva as Laurencia in the 1919 production of *Fuenteovejuna* in Kiev. Drawing by K. Fonvizin.



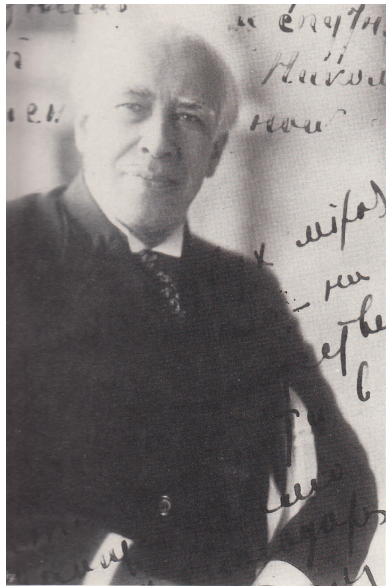


## The Bath-house

Zinaida Raikh as the Phosphorescent Woman and Maxim Shtraukh as Pobedonosikov.  
Zinaida Raikh as the Phosphorescent Woman.

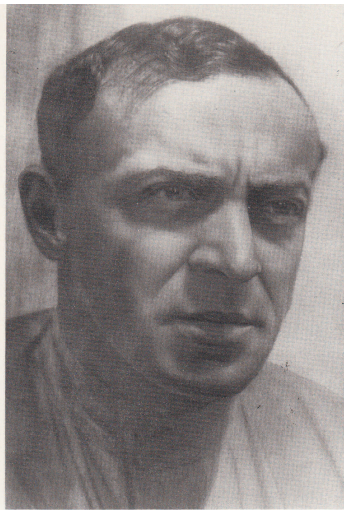
*Opposite:* The final scene of *The Bath-house*.

مأموریت والای تئاتر / ۱۵۹



Kurbas, 1921.

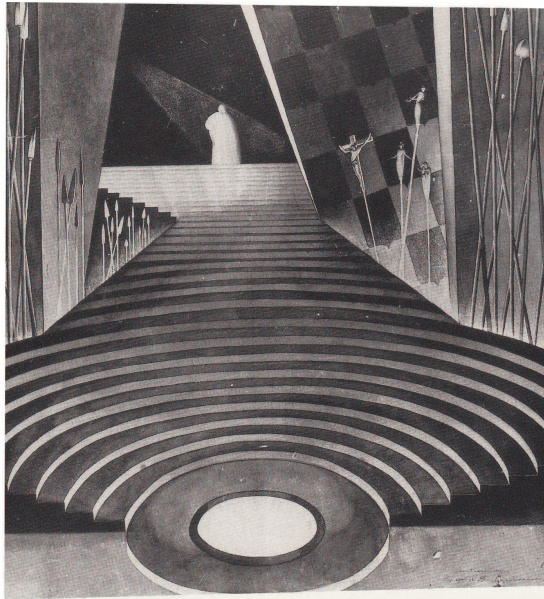
Konstantin Stanislavsky, 1923.



Evgeny Vakhtangov, 1920.

Alexander Tairov, 1932.





Two designs by Petr Otskheli of the set (above) and Desdemona's costume (below) for the Tbilisi production. They were not used.